



## ادب زبانی در متون تعلیمی امام محمد غزالی

محمدرضا طوسی نصرآبادی<sup>۱\*</sup>

بهمن زندی<sup>۲</sup>

بهرروز محمودی بختیاری<sup>۳</sup>

علی رضاقلی فامیان<sup>۴</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به تحلیل ادب‌مندی در متون تعلیمی نصیحة الملوک و کیمیای سعادت از امام محمد غزالی می‌پردازد. ادب یک پدیده زبانی در تعاملات روزمره است و نشان از آن دارد که کاربران زبان چگونه از زبان برای مدیریت روابط بین‌افردی خود بهره می‌برند. ادبیات تعلیمی نیز ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش‌های اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. در این مقاله با اتخاذ رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی و روش تحلیل محتوا و اصول ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) سعی بر این است تا بازنمود ادب زبانی در متون تعلیمی مذکور نموده شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متون تعلیمی غزالی بیشتر بر کاربرد ادب مثبت تأکید دارد که بیانگر ترویج همدردی و همراهی در این متون است و بر مدیریت وجهه فرد دیگر استوار است و بنا به سخنی، مخاطب-محور است و بیشتر توصیه‌ها به گوینده برای حفظ همدلی در ارتباط است. معیارهایی از قبیل راستگویی، سخن بیجا و به موقع، دشنام ندادن، رازداری، پرهیز از غیبت، کم سخن گفتن، سخن نیکو، خاموشی، نوبت‌گیری، سخن با تفکر به ترتیب بالاترین میزان موارد تعلیم ادب را در این کتاب‌ها به خود اختصاص دادند. در نهایت می‌توان گفت مدل براون و لوینسون تنها مبتنی بر الگوی فردمحوری غربی است و با فرهنگ جمع‌گرای ایرانی که بر ارزش‌های جمع و اجتماع تأکید می‌ورزد در برخی موارد ناسازگار است و نیز مفهوم سازی ادب، جهانی نبوده و خاص هر فرهنگ است، یعنی مفهوم ادب منحصر به هر فرهنگ خاص است و ارائه مدلی جهانی از ادب با ماهیت فرهنگ بنیاد ادب سازگار نیست.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی اجتماعی، ادب، وجهه، غزالی، ادبیات تعلیمی.

✉ mohammadrezatusi1@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

✉ zandi\_12@yahoo.com

۲- استاد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور

✉ b\_m\_bakhtiari@yahoo.com

۳- دانشیار زبان‌شناسی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

✉ famianali@yahoo.com

۴- دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور

## ۱- مقدمه

در طول تاریخ بشر همواره چگونگی داشتن ارتباط صحیح که مورد قبول جامعه نیز باشد از ملزومات زندگی اجتماعی بوده است. در یک نگاه کلی و از باب تعریف عامه، ادب<sup>۱</sup> ارتباط تنگاتنگی با مفهوم تناسب اجتماعی<sup>۲</sup> دارد که به مطالعاتی از قبیل بورکه<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) برمی‌گردد. عده‌ای تاریخ بررسی ادب را حتی به قبل‌تر از آن یعنی عصر آگوستین در رم منتسب می‌دانند (واتس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲: ۴۴).

ادب یک پدیده زبانی در تعاملات روزمره است و نشان از آن دارد که کاربران زبان چگونه از زبان برای مدیریت روابط بینافردی خود بهره می‌برند. دلیل اهمیت درک ماهیت ادب بدین سبب است که به محض شروع مکالمه، هریک از طرفین مشارک در مکالمه به درک دوسویه از هنجارهای ارتباط برای حفظ روابط بین خود نیاز دارند.

در سالیان متمادی جوانب گوناگون پدیده ادب همواره مطمح نظر محققانی از رشته‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بوده است. با این وجود در باب ادب از دید تاریخی و در متون تاریخی پژوهش‌های اندکی به انجام رسیده است. تحقیقات تاریخی در باب ادب می‌تواند تغییرات وسیع فرهنگی و زبانی را که در طول قرون پدید آمده به خوبی بنمایاند و دلایل ورای تولید و درک ادب در جوامع امروزی را نشان دهد.

در بیان عامه، مؤدب بودن با تعاریفی از قبیل با فرهنگ بودن، رفتار درست داشتن یا توجه به احساسات دیگران تعریف می‌شود. ادب از دید علمی، به این اشاره دارد که چه چیزی رفتار زبانی مؤدبانه را تشکیل می‌دهد، این رفتار نیز می‌تواند مابین مشارکان در تعامل و فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. همان‌گونه که سیفیانو<sup>۵</sup> (۱۹۹۲: ۱۰) اشاره می‌کند، مردم از فرهنگ‌های مختلف نگاه‌های متفاوتی نسبت به ادب دارند. برای مثال یونانی‌ها ادب را با بیان صمیمیت یکی می‌دانند در حالی که انگلیسی‌ها ادب را به معنای حفظ فاصله اجتماعی می‌پندارند. مؤدب بودن در دیدگاه برخی پژوهشگران به «انطباق با نشانه‌های اجتماعی مورد توافق با رفتار خوب» تعریف شده است (نوویه<sup>۶</sup>، ۱۹۹۲: ۳۱۰). ادب در زبان فارسی، دانشی است که به موجب آن فرد از کاربرد هرگونه خطا در گفتار اجتناب ورزد (فرهنگ لغت دهخدا، ذیل مدخل ادب). خیلی‌ها معتقدند که معنای ادب در توصیف رفتار شخصی نهفته است (واتس، ۲۰۰۳: ۱۹). در برخی منابع (همانجا) از این عبارات برای توصیف ادب استفاده می‌شود: پرهیز از مستقیم بودن، زبانی که احترام به دیگران را نشان می‌دهد و زبانی که شامل صورت‌های احترام‌آمیز به مخاطب است. فریزر و نولان<sup>۷</sup> بیان می‌کنند که هیچ جمله‌ای ذاتاً مؤدبانه یا بی‌ادبانه نیست. آنچه از این گفته برمی‌آید این است که ادب یک تصمیم و قضاوت وابسته به بافت

1. Politeness
2. Social appropriateness
3. Burke
4. Watts
5. Sifiano
6. Nwoye
7. Fraser & Nolan

زبانی نیست بلکه یک قضاوت اجتماعی است و جمله<sup>۱</sup> به خودی خود بی‌ادبانه نیست و این گوینده جمله است که بی‌ادب است (۱۹۸۱: ۲۵۵). در دهه‌های اخیر مطالعه ادب همواره مطمح نظر محققان مختلف بوده و پژوهش‌های متعددی در این باره صورت گرفته است. همان‌گونه که هیکی و استوارت<sup>۲</sup> (۲۰۰۵: ۱) بیان می‌کنند، ادب حوزه مطالعاتی فرعی از کاربردشناسی تعاملی<sup>۳</sup> است که در طول سالیان اخیر در زبان‌های گوناگون همواره با شدت علاقه مطالعاتی روبرو بوده است. بر این اساس تعریف پذیرفته شده از ادب را می‌توان یک رفتار اجتماعی و زبانی مؤدبانه و پذیرفته در نظر گرفت که پدیده‌ای جهانی است و در فرهنگ هر جامعه‌ای ریشه دارد.

به باور متخصصان حوزه کنش‌های گفتاری (ویرزبیکا<sup>۴</sup>، ۱۹۸۵) اجرای مطالعات دقیقی که به تحلیل ارزش‌های فرهنگی و کشف عوامل تهدیدکننده وجهه در فرهنگ‌های مختلف بینجامد ضرورت دارد. بررسی ادب و بی‌ادبی در راستای پویایی اجتماعی تعامل بشری است. موضوع مورد بحث ادب این است که چطور احساسات و خود فرد در مکالمه حمایت می‌شود یا مورد هجمه واقع می‌گردد. پدیده ادب موضوع بحث مقاله حاضر است و در آن قصد داریم تا باز نمود ادب در متون تعلیمی نصیحه الملوک و کیمیای سعادت از امام محمد غزالی را بنمایانیم و به این سؤالات پاسخ دهیم که در متون تعلیمی امام محمدغزالی، ادب به چه صورت‌هایی مفهوم سازی شده و چه عواملی در ایجاد ادب در گفتار دخیلند و نیز اینکه این متون تا چه میزان با اصول ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) سازگاری دارند.

### ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی<sup>۵</sup> ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش‌های اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. ادبیات تعلیمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. پند و اندرز، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات گونه‌های ادبیات تعلیمی‌اند. نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان اغراض اخلاقی و تعلیم و تربیت در طول اعصار و قرون هدف ادبیات بوده است.

افکار و درون‌مایه‌های برخاسته از افکار اخلاق‌گرایان مختلف، شاخه‌ای مهم از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد که ادبیات تعلیمی ایران نامیده می‌شود و در حقیقت مجموعه پند و اندرزها و حکمت ایران باستان و اخلاقیات دوران اسلامی را در خود گرد آورده است. در متون تعلیمی، هدف آموزش چیزی به خواننده یا مخاطب است. قدیم‌ترین نوشته‌های ادبیات تعلیمی از یونان باستان به یادگار مانده است. پندنامه‌ها نیز مجموعه‌ای از حکمت‌ها، مواعظ و دستورهای تربیتی، اخلاقی، دینی و کشوری هستند. این آثار نیز در گروه ادبیات تعلیمی قرار دارند و آثار و نوشته‌هایی را دربر می‌گیرند که موضوع آنها اخلاق، راه و رسم آمیزش با مردم و غیره است (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۰).

1. sentence
2. Hickey & Stewart
3. Interactional pragmatics
4. Werzibica
5. Didactic literature

کیمیای سعادت از معروفترین کتب امام محمد غزالی در علم اخلاق است که تاریخ تألیفش میان سال‌های ۴۹۰ تا ۵۰۰ هجری است، این کتاب چکیده‌ای از کتاب بزرگ احیاء علوم الدین است. نصیحه الملوک نیز کتابی است که به شکل پند و اندرز برای سلاطین، وزرا و امرا نگاشته شده است.

### ۱-۲- مطالعات مرتبط با ادب زبانی

در این بخش به صورت گذرا به تعدادی از مطالعات مرتبط با بحث ادب زبانی پرداخته می‌شود.

طیب (۱۳۸۱) در پژوهشی به تحلیل ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب فارسی می‌پردازد. وی بحث خود را از اصول گرایس (۴۵:۱۹۷۵) شروع می‌کند و برای هر یک از اصول، نمونه‌هایی از نظم و نثر فارسی را به‌عنوان شاهد ارائه می‌کند. در بخش دیگری از پژوهش، وی ضمن برشمردن هریک از اصول ادب لیچ<sup>۱</sup> (۱۳۳:۱۹۸۳) و براون و لوینسون<sup>۲</sup> (۱۱۰:۱۹۸۷) با برشمردن موارد متعددی از نظم و نثر کهن فارسی انطباق اصول ادب را در قالب این متون می‌نمایاند. وی معتقد است بررسی شعر و ادب فارسی در قالب حوزه مطالعات جدید تحلیل گفتمان که بار علمی بالایی دارد می‌تواند مؤثر باشد. مقدسی‌نیا و سلطانی (۱۳۹۳) در پژوهشی سازوکارهای ادب‌ورزی در نامه‌نگاری دوره مملوکی را بررسی کرده‌اند. در این مقاله که بنابر نظر ادب لیچ (همان) و بیمن<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) نگاشته شده شیوه‌های رعایت ادب در متن کتاب بررسی شده است. نگارندگان نتیجه می‌گیرند که الگوهای ادب‌ورزی استفاده شده در این کتاب با الگوی تحقیر خویش و تعظیم مخاطب و نیز اصول ۳ و ۴ لیچ (۱۳۳:۱۹۸۳) سازگار بوده است.

غضنفری (۱۳۸۷) طی پژوهشی تحت عنوان «جلوه‌هایی از بازتاب اصول ادب در تاریخ بیهقی» در پی کند و کاو «نظریه ادب» به مفهوم امروزی آن و مفاهیم و اصول مرتبط با آن در متن تاریخ بیهقی برآمده و به این نتیجه رسیده است که در زبان فارسی امروز، به نظر می‌رسد ما گویشوران این زبان در گفتمان مؤدبانه خود در «بزرگداشت دیگران» به خصوص در سخن گفتن از اربابان قدرت، راه مبالغه پیموده‌ایم، تا آنجا که گاهی از سخن مان بوی تملق و چاپلوسی استشمام می‌شود و در مواردی استثنایی قواعد دستوری زبان را هم زیر پا می‌گذاریم؛ مثلاً، برای سوم شخص مفرد به جای ضمیر «او» ضمیر «ایشان» را به کار می‌بریم؛ فعل‌های محترمانه مناسب شخص مورد اشاره می‌یابیم و فعل جمله را، به‌رغم روال دستوری معمول، به جمع صرف می‌کنیم: «ایشان تشریف آوردند». یا به جای آنکه مطابق دستور زبان، در خطاب به دوم شخص مفرد، «تو» به کار ببریم، به بهانه رعایت ادب، مخاطب‌مان را «شما» خطاب می‌کنیم و فعل را هم از میان فعل‌های خاص انتخاب کرده و به صیغه جمع صرف می‌کنیم: «شما فرمودید که ...» این نوع کاربرد در تاریخ بیهقی اصلاً جایی ندارد؛ نه تنها در کتاب بیهقی، بلکه در هیچ یک از متون نثر فارسی قبل و بعد از روزگار بیهقی، حدوداً تا اواخر دوران قاجاریه، اثری از این بدعت زبانی دیده نمی‌شود. اگر در شعر کلاسیک فارسی در موارد

1. Leech  
2. Brown & Levinson  
3. Beeman

بسیار نادری به کاربرد ضمیر جمع برای شخص مفرد برمی‌خوریم، غالباً دلایلی نظیر اقتضای وزن و قافیه و تنگنای عرصه سخن موجب شده است که شاعر قواعد دستوری صحیح زبان فارسی را نادیده انگارد. قایمی و غضنفری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی عناوین و القاب احترام آمیز و عبارت‌های داعی بر مبنای نظریه ادب در اسرارالتوحید محمد بن منور پرداخته‌اند.

محمودی بختیاری و شاه‌حسینی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان ادب کلامی سعدی، مطالعه‌ای گفتمانی بر مبنای آرای سعدی در بوستان و گلستان به انجام رساندند. آنها بر این عقیده‌اند که اصول همکاری<sup>۱</sup> گرایس<sup>۲</sup> (۴۵:۱۹۷۵) و راهکارهای ادب براون و لوینسون (۱۱۰:۱۹۸۷) از قدیم در فرهنگ ما وجود داشته و در حوزه ادبیات تعلیمی قرار داشته‌اند که در پرتو زبان‌شناسی جدید می‌توان برداشت جدیدی از آنها داشت. آنها با بررسی بوستان و گلستان سعدی ۲۰۶ بیت مرتبط با مفهوم ادب و چگونگی رفتار با دیگران را نشان داده‌اند به طوری که معیارهای سعدی را می‌توان به‌عنوان اصول ادب سعدی به لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد و منطبق با ریشه‌های ادب ایرانی تلقی کرد.

در ادامه مقاله نیز به ارائه چارچوب نظری پژوهش حاضر یعنی نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) پرداخته خواهد شد.

### ۱-۳- چارچوب نظری پژوهش

براون و لوینسون با تکیه به توصیف گافمن (۱۹۶۷) از وجهه، آن را به‌عنوان خود تصویری عمومی که هر شخص برای خود ادعا کند، تعریف کردند. براون و لوینسون بین دو نوع وجهه تمایز ایجاد کردند: وجهه مثبت و وجهه منفی. وجهه منفی به‌عنوان ادعایی اساسی برای حریم‌ها، حدودهای شخصی، حقوقی جهت عدم پریشانی مثل آزادی عمل و آزادی از تحمیل تعریف شده است. وجهه مثبت به‌عنوان خود تصویری یا شخصیت یکپارچه مثبت ادعا شده توسط طرفین گفتگو تعریف شده است. براون و لوینسون این دو نوع از وجهه را به‌عنوان خواسته هر عضو بزرگسال لایق از جامعه در نظر گرفتند، به‌عبارت دیگر هر گویشوری می‌خواهد از کنش او توسط دیگران ممانعت به عمل نیاید (خواسته وجهه منفی) و هر گویشوری می‌خواهد کنش او برای دیگران مطلوب باشد (خواسته وجهه مثبت). برای براون و لوینسون (۱۹۸۷)، ادب نشان دادن توجه به وجهه طرف مقابل است. شرکت‌کنندگان در ارتباط‌های میان‌فردی می‌خواهند وجهه یکدیگر را حفظ کنند و هنگامی که تهدید می‌شود از آن دفاع کنند. تصور بنیادی این است که وجهه، آسیب‌پذیر است. بیشتر کنش‌های گفتاری می‌توانند به‌عنوان کنش‌هایی که ذاتاً وجهه (گوینده یا شنونده) را تهدید می‌کنند در نظر گرفته شوند.

براون و لوینسون (۱۹۷۸) معتقدند رعایت ادب در تمام فرهنگ‌ها ضروری است. اگرچه کار روبین لیکاف (۱۹۷۳) ادب را به‌عنوان حوزه‌ای در مطالعات زبان‌شناختی برجسته کرد ولی نظریه براون و لوینسون که برای

1. Cooperative principle  
2. Grice

بار اول در سال ۱۹۷۸ منتشر شد یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویکردها به ادب زبانی شد و پایه مطالعات بعدی شد، این نظریه احتمالاً مشهورترین و تأثیرگذارترین نظریه در عالم زبان‌شناسی شد (براون و لوینسون، ۱۹۸۷). زبان‌شناسان بعدی کار خود را بر این مبنا قرار داده و داده‌های خود را بر اساس این نظریه توصیف کردند. برای نمونه اسکولن و اسکولن (۱۹۸۹) سیفیانو (۱۹۹۲) و جانی و آرنلد (۲۰۰۵) از این قبیل هستند. همان‌گونه که هیکی و استیوارت (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، کار مهم براون و لوینسون ثابت کرد که ارتباط بشری تنها برای انتقال پیام نبوده و بیشتر مربوط به ایجاد و حفظ روابط بینافردی در یک بافت اجتماعی - فرهنگی خاص است.

برای خیلی از افرادی که در حوزه کاربردشناسی مطالعه می‌کنند ادب به‌عنوان یک نظریه زبان‌شناختی اجتماعی و شناختی ابتدا با رویکرد حفظ وجهه‌ای که در کتاب برخی جهانی‌ها در کاربرد زبان براون و لوینسون اساس یافته است. تحقیق بر روی این نظریه بر روی سه زبان انگلیسی، تامیل و تونقال که زبان‌هایی از خانواده‌های مجزا از هم هستند انجام شد. براون و لوینسون اذعان می‌دارند که نظریه آنها بر اساس مفهوم سازی از وجهه گافمن استوار است. هرچند لازم به‌ذکر است که آنها به برخی اشتباهات کار گافمن انتقاداتی مطرح کردند.

نظریه ادب براون و لوینسون حول سه محور عمده می‌گردد: وجهه، کنش‌های تهدید وجهه و راهبردهای ادب. سخنوران تمام جهان وجهه دارند. وجهه یا تصور عمومی که نیاز است تا محافظت شود و ممکن است برخی اعمالی را که انجام می‌دهیم در زندگی روزمره خود وجهه مخاطبان را تهدید کند. به منظور برخورد علیه تأثیرات ناخواسته کنش‌های تهدید وجهه افراد از راهبردهای ادب که تنها راهکار تلافی‌ی<sup>۱</sup> است بهره می‌برند تا میزان تهدید وجهه را به حداقل برسانند. گرچه این نظریه اولین نظریه و کار بر روی ادب نیست اما بی‌شک نظریه براون و لوینسون تأثیرگذار بوده است چون که از طریق انتشار کتاب *ادب برخی جهانی‌های کاربرد زبان* مورد توجه محققان قرار گرفت. این نظریه با اتخاذ رویکرد فرهنگ و بافت عام بر روی ادب، مورد توجه قرار گرفت. هر چند در دهه اخیر این نظریه با انتشارات زیادی روی این نظریه که به لحاظ تجربی و تحلیلی تأثیراتی داشته مواجه بوده است. با وجود گذشت ۳۰ سال از انتشار این نظریه این نظر همچنان مدنظر محققان حوزه ادب است.

نظریه ادب تلاش می‌کند تا تبیین کند که چرا گویندگان راهبرد خاصی را برمی‌گزینند تا انجام دهند (تریسی و باراتز، ۱۹۹۴: ۲۸۸). به بیان دیگر این نظریه چرایی انتخاب راهبرد ادب مثبت یا منفی، بیان مستقیم یا غیرمستقیم را نشان می‌دهد. اساساً هر چقدر که فاصله اجتماعی بیشتر و قدرت نسبی گوینده از شنونده بیشتر و قدرت تحمیل یک کنش کلامی بالاتر باشد به همان میزان نیز تهدید وجهه با یک کنش کلامی نیز بیشتر می‌گردد (همان، ۲۸۹).

## ۲- روش‌شناسی

تحقیق حاضر پژوهشی توصیفی-تحلیلی است. روش تحقیق به روش تحلیل محتوا و از شیوه اسنادی بهره برده است. تحقیق کیفی بر توصیف و تبیین طبیعی پدیده‌ها اشاره دارد و محقق نیز معنای ورای پدیده‌ها را با توصیف کردن آن تعیین می‌کند. بنابر نظر برگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) تحقیق کیفی به معانی، تبیین‌ها، ویژگی‌ها و توصیفات پدیده‌ها اشاره دارد. این نیز با عنایت به مشخصات و بافت آن پدیده صورت می‌پذیرد. در انجام پژوهش حاضر متن کتاب‌های کیمیای سعادت (تصحیح حسین خدیو جم) و نصیحة الملوک (تصحیح قوام‌الدین طه) به دقت خوانده شده و آن بخش‌هایی که مرتبط با ایجاد ادب زبانی در کلام هستند برگزیده و تحلیل شدند.

## ۳- یافته‌ها

در بخش‌های پیشین به ترتیب به بیان مقدمه و ارائه پیشینه مطالعات و چارچوب نظری تحقیق صورت گرفته در حوزه پژوهش پرداخته شد. در این فصل آن بخش از آثار امام محمدغزالی با نام‌های نصیحة الملوک و کیمیای سعادت که مرتبط با بحث ایجاد ادب است، با بهره‌گیری از الگوی ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) که به بررسی ادب به‌عنوان پدیده‌ای جهانی می‌نگرند تحلیل خواهد شد. در این بخش نشان داده خواهد شد آنچه که در عالم زبان‌شناسی تحت عنوان اصول ادب و همکاری از آن یاد می‌شود در متون امام محمد غزالی که سابقه‌ای دیرینه دارد به چه شکلی تجلی یافته است؟ و به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد، غزالی که از سردمداران ادبیات تعلیمی است در زمینه گفتمان مؤدبانه چه راهکارهایی ارائه کرده است؟

## کیمیای سعادت

۱. پیدا کردن حقوق صحبت و دوستی: حق سوم بر زبان است که در حق برادران نیکو گوید. تأکید بر نیکو و خوب‌گویی و عیوب ایشان پوشیده دارد ۴۰۳  
در این عبارت ما شاهد ادب مثبت هستیم که در آن بر نیکوگویی با برادران اشاره شده است. تأکید بر خوب گفتن در مورد کسی و پوشیده داشتن عیوب آنها موارد بارز ادب مثبت هستند.
۲. اگر کسی در غیبت حدیث ایشان کند جواب باز دهد و چنان انگارد که وی اندر پس دیواری است، می‌شنود و چنان که خواهد که وی باشد در غیبت وی او نیز همچنان باشد و مدهانت نکند ۴۰۳  
در این عبارت نیز شاهد ادب مثبت هستیم که بر همدردی با فرد غایب که در مجلس نیست نیز تأکید دارد. در مجلس غیبت که پشت کسی صحبت می‌شود باید جانب وی را نگاه داشت.

۳. و سیر وی هیچ آشکار نکند اگر چه از پس وحشت بود که لئیم طبعی باشد ۴۰۳
- در این عبارت شاهد ادب مثبت هستیم. آشکار کردن راز و سر یک نفر به وجهه وی صدمه می‌زند. و در این عبارت شاهد نهی آشکار کردن راز هستیم که در جهت وجهه مثبت است.
۴. و اگر اندر حق وی تقصیر کند گله نکند و معذورش دارد ۴۰۴
- در این عبارت شاهدیم که نویسنده معتقد است که اگر در حق فرد بدی هم شد باز وی گلیه نکرده و وی را ببخشد که در جهت ادب مثبت و ابراز خوش‌بینی است.
۵. و در خبر است که مؤمن همه عذر جوید و منافق همه عیب گوید ۴۰۴
- در این عبارت بیان می‌کند که از نشانه‌های ایمان معذرت خواستن است که در راستای ادب منفی براون و لوینسون است که مؤمن با این عمل (عذر خواستن) وجهه منفی شنونده را حفظ می‌نماید.
۶. و عباس فرا پسر خویش عبدالله (رض) گفت: عمر (رض) تو را به خود نزدیک می‌دارد و بر پیران تقدیم می‌کند، زنه‌ار تا پنج چیز نگاه داری: هیچ سر وی آشکار نکنی، در پیش وی کسی را غیبت نکن و با وی هیچ دروغ نگویی ۴۰۵
- در این عبارت شاهدیم که آشکار نکردن راز، غیبت نکردن و دروغ نگفتن مد نظر هستند که هر سه در راستای ادب مثبت براون و لوینسون هستند.
۷. و بدان که هیچ چیز دوستی را چندان تباه نکند که مناظره و خلاف کردن در هر حدیثی و معنی رد کردن سخن بر دوست خویش آن بود که وی را احمق جاهل گفته باشی و خود را عاقل فاضل ۴۰۵
- نویسنده بر این اعتقاد است که دوستی را چیزی جز مناظره و جدل و مخالفت کردن در هر حرفی از بین نمی‌برد. در این عبارت ما شاهد ادب مثبت هستیم که در این عبارت در کل به علایق و خواسته‌های مخاطب توجه می‌شود.
۸. اندر حق مسلمانان و همسایگان و خویشاوندان و بندگان: رسول (ص) گفت: دانید که مسلمان که بود؟ گفتند خدای و رسول بهتر دانند. گفت: آنکه مسلمانان از دست و زبان وی آسوده باشند ۴۱۴
- این عبارت یادآور ادب کنایه‌دار است که با کم‌گویی صورت گرفته و نیز تعمیم بیش از حد. هرچند اینکه مسلمانان از دست و زبان کسی آسوده بودن خود متضمن معنی ادب مثبت است که توجه به علایق و همدردی با مخاطب را به خاطر می‌آورد.
۹. حق چهارم آنکه سخن هیچ‌نم نام بر هیچ مسلمانانی نشنود که سخن از عدل باید شنید و نام فاسق است و ببايد دانست که هر که کسی را پیش تو بد گوید تو را نیز پیش دیگری بد گوید از وی دور باید بود و وی را دروغ‌زن باید دانست ۴۱۵
- این عبارت نیز تأکید بر عدم سخن‌چینی دارد که عملی است که به وجهه مخاطب و فرد ثالث آسیب می‌زند و تأکید بر ادب مثبت براون و لوینسون است.



۱۰. آن که فرا هر که رسد به سلام ابتدا کند پیش از سخن گفتن و دست وی فراگیرد و رسول(ص) گفت: هر که سخن گوید پیش از سلام جوابش مدهید تا پیش سلام کند ۴۲۲  
سلام کردن در این عبارت از قول نبی اکرم(ص) مورد تأکید قرار گرفته است. این عمل سلام کردن و دست دادن در جهت ادب مثبت است که به ابراز همراهی و توجه به خواسته‌های مخاطب می‌انجامد.

#### ۱۱. غیبت کردن یا شنیدن و آن هلاک دین است ۴۳۸

نکته جالب توجه در این عبارت تأکید بر این است که حتی نباید به غیبت دیگران گوش فرا داد. حتی گوش دادن به غیبت نیز نهی شده است. در این عبارت شاهدیم که هم بر غیبت نکردن به جهت ادب مثبت نظر دارد که عملی ناپسندیده است و نیز ادب منفی که بر حق آزادی و حق نفر ثالث تأکید می‌شود. در شرط حسبت: وعظ و نصیحت به رفق کند نه به عنف. لطف در آن است که مثلاً چون کسی غیبت می‌کند گوید: کیست از ما که در او عیبی نیست؟ به خویشان مشغول بودن اولی‌تر ۵۱۴.  
در بخش دوم بر غیبت تأکید دارد و اینکه به خود مشغول بودن اولی‌تر است به حق آزادی هر فرد و وجهه منفی هر فرد دلالت دارد.

۱۲. سخن درشت گفتن: و این دو ادب است: یکی آنکه تا به تلافی می‌تواند گفت و کفایت بود درشت نگوید دیگر آنچه چون بگوید فحش نگوید و جز راست نگوید چون ظالم و فاسق و احمق و جاهل پیش نگوید ۵۱۴

در بخش اول این عبارت تأکید بر این است که باید با لطف و مهربانی صحبت کرد و سخن زشت نگوید (وجهه مثبت) در بخش دوم اشاره می‌کند که اگر فحش هم داد از دایره لغاتی چون ظالم و فاسق و احمق و جاهل یا فراتر نگذارد که میزان بی‌ادبی کمی دارند که در راستای ادب منفی است.  
و سخن درشت آن وقت روا بود که داند که فایده‌ای خواهد داشت ۵۱۵  
در این عبارت بیان درشتی در سخن را زمانی جایز می‌داند که گوینده فایده‌ای در آن برای تأثیرگذاری بر مخاطب ببیند.

۱۳. در باب پروردن و ادب کردن کودکان: و اگر بسیار با وی گفته آید دلیر شود و آشکارا بکند و بسیار نگوید و البته سوگند نخورد و تا نپرسند سخن نگوید ۵۱۸  
در باب ادب کودکان مواردی چون زیاد سخن نگفتن، سوگند نخوردن و نیز اینکه تا سؤالی پرسیده نشده جواب ندادن مد نظر قرار گرفته است.

۱۴. حق شانزدهم آنکه چون به صحبت کسی بد مبتلا شود درشتی نکند در مشافهه. ابن عباس می‌گوید: در معنی این آیت و یدرون الحسنه بالسیئه: بار زنید به نیکی بدی را. که فحش را به سلام و مدارا مقابله کنند ۴۲۶

این عبارت که فحش فردی را با پاسخ نیکو بدهید همان ادب مثبت است.

۱۵. حق پنجم آنکه زبان از هیچ آشنا باز نگیرد پیش از سه روز و رسول می‌گوید: حلال نیست از برادر مسلمان پیش از سه روز زبان باز گرفتن ۴۱۵

در این عبارت مشخص است که بیش از سه روز صحبت نکردن منجر به سستی روابط و بدتر شدن اوضاع می‌گردد که در راستای وجهه مثبت است.

**۱۶. و رسول(ص) گفت: هر که گوش فرا دارد تا سخن مردمان بشنود که نه با وی گویند، روز قیامت سرب گداخته در گوش وی ریزند ۴۱۹**

در این مورد از گوش دادن به سخن دیگران نهی کرده است که عملی است که وجهه مثبت فرد را به خطر می‌اندازد.

#### نصيحة الملوك

**۱۷. و آن زن که خوی کژدم دارد به خانه همسایگان گردد و غمازی کند و سخن ایشان شنود تا یک دیگران را به جنگ افکند ۲۲۸**

در این عبارت از صفت منفی سخن‌چینی سخن به میان آورده که می‌تواند وجهه منفی فرد را دچار آسیب کند.

**۱۸. خردمند: همیشه با ذکر خدای بود و سخن به علم گوید و منفعت سخن بر جایگاه او بداند ۲۲۹**

این عبارت یادآور اصل کیفیت گرایش است که خردمند همیشه سخنش بر مبنای علم استوار است.

**۱۹. سه چیز به سه جای سخت نیکو آید راست گفتن به وقت آزار ۱۹۶**

در این عبارت از راست گفتن حتی در صورت اذیت شدن یاد کرده است که عملی نیکوست. در راستای ادب مثبت فرد است که با این راستگویی به علایق و خواسته‌های مخاطب توجه می‌شود.

**۲۰. حکیمی را گفتند تلخ‌ترین چیز اندر جهان چیست و شیرین‌ترین چیزی چیست؟ گفت: تلخ‌ترین چیزی اندر جهان سخن سرد است که از ناسزا بشنودند و شیرین‌ترین چیزی سخن خوش و بی‌نیازی ۱۹۸**

بخش اول این عبارت که تلخ‌ترین چیز در جهان را سخن سردی می‌داند که ناسزا نیز باشد معرفی می‌کند و در راستای ادب مثبت است که بدون ابهام و آشکارا بیان می‌شود و وجهه منفی فرد را به خطر می‌اندازد و شیرین‌ترین چیز را نیز سخن خوش و بی‌نیازی معرفی می‌کند که سخن خوش در راستای ادب مثبت و بی‌نیازی در راستای وجهه منفی شنونده است

**۲۱. حکیم گوید سه چیز با سه چیز کم گرد آید راست گفتن با بسیار گفتن ۲۰۰**

این عبارت هم یادآور اصل کمیت گرایش است که بر میزان سخن گفتن تأکید دارد ولی صفت مثبت راستگویی را در تعارض با بسیار سخن گفتن می‌داند. راستگویی همان ادب مثبت است و بسیار سخن گفتن نیز ادب کنایه‌دار در بر دارد.

**۲۲. عافیت تن سه چیز است: کم خوردن و کم گفتن و کم خفتن ۲۰۱**

در این عبارت از سلامتی و عافیت تن یک مورد را هم به کم‌گویی اختصاص داده است. کم‌گویی در راستای ادب کنایه‌دار براون و لوینسون است. کم‌گویی در استای اصل کمیت گرایس است.

**۲۳. چهار حال است اگر نگاه‌داری مرد باشی: یکی سرت را چنان داری که اگر خلق بدانند روا**

**داری ۲۰۳**

در این عبارت بر رازداری به‌عنوان مؤلفه‌ای از ادب مثبت تأکید شده است. بر جنبه استقلال فرد تأکید دارد که وجهه منفی فرد از این رو حفظ شود.

**۲۴. هشت گروه مردم را خواری پیش آید... چهارم آنک به راز گفتن کسان گوش دارد ۲۰۵**

در این عبارت به وضوح شاهد نهی از گوش دادن به راز دیگران هستیم که وجهه منفی فرد را تهدید می‌کند و در راستای ادب منفی است و به‌صورت کاملاً آگاهانه از اجرای این عمل باز می‌دارد.

**۲۵. و عمرو عدی کرب گوید که سخن نرم، نرم کند آن دل‌ها را که سخت‌تر از سنگ خارا بود**

**و سخن درشت، درشت کند آن دل‌ها را که نرم‌تر بود از حریر ۲۰۶**

در این عبارت از نرم‌گویی که همان ادب مثبت است یاد می‌کند که به خواسته‌های مخاطب کاملاً توجه دارد.

**۲۶. حکیم گفت: سه چیز غم از دل ببرد یکی صحبت دانا ۲۰۷**

در این عبارت از صحبت با خرد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های غم‌زدایی یاد می‌کند که همان ادب مثبت است و بردن غم از دل در راستای خواسته‌های مخاطب است.

**۲۷. چهار کارست بد: یکی غیبت کردن خلق را ۲۰۷**

غیبت کردن همان‌گونه که اشاره شد یکی از کارهایی است که وجهه منفی را به خطر می‌اندازد و همان ادب منفی است که به صراحت در ادب تعلیمی از آن یاد شده است.

**۲۸. عزیز داشتن خویش آن بود که ... چیزی نگوید که مردم او را بدان غیب کنند ۱۷۷**

در این عبارت پیش شرط عزیز شدن فرد را حفظ زبان می‌داند و توجه به هر آنچه گفته می‌شود که مبادا مایه غیبت دیگران قرار گیرد. در راستای ادب منفی قرار دارد.

**۲۹. پادشاه سخن بدگویان بر وی (وزیر) را نشنود ۱۵۹**

در این عبارت پادشاهان را به این بحث تعلیم می‌دهد که نباید سخن بدگویان از وزیرش را مورد توجه قرار دهد. این عبارت در راستای ادب کنایه‌دار است که به‌صورت سربسته مطلبی را بیان می‌کند.

**۳۰. دستور آهسته باید و نیکو سخن و آنجا که خاموشی باید و گویا آنجا که گفتار باید ۱۶۲**

وزیر باید آهسته باشد و سخنان نیکویی بگوید و آنجایی که نیاز است خاموش باشد و آنجای دیگر سخن بگوید. این عبارت نیکو سخن گفتن در راستای ادب مثبت است و خاموشی و گفتار به موقع ادب کنایه‌دار است.

**۳۱. چون خدای تعالی با دشمن خویش سخن نرم فرمود گفتن با دیگران اولی‌تر ۱۶۳**

این عبارت نرم سخن گفتن در راستای ادب مثبت است.

### ۳۲. بنیاد کار ملک بر راست زبانی و گفتار رسولان است ۱۵۲

پایه و اساس کار شاهان را راستگویی و گفتار پیامبران که همان راستگویی است می‌داند. راستگویی ادب مثبت است.

### ۳۳. یقین بدان که یادگار مردم سخن است ۱۰۷

سخن از آنجاکه به یادگار می‌ماند باید سنجیده و مطابق موازینی باشد.

### ۳۴. پیامبر وحی کرد تا داود قوم خویش را بگوید تا اهل عجم را دشنام ندهند ۱۰۴

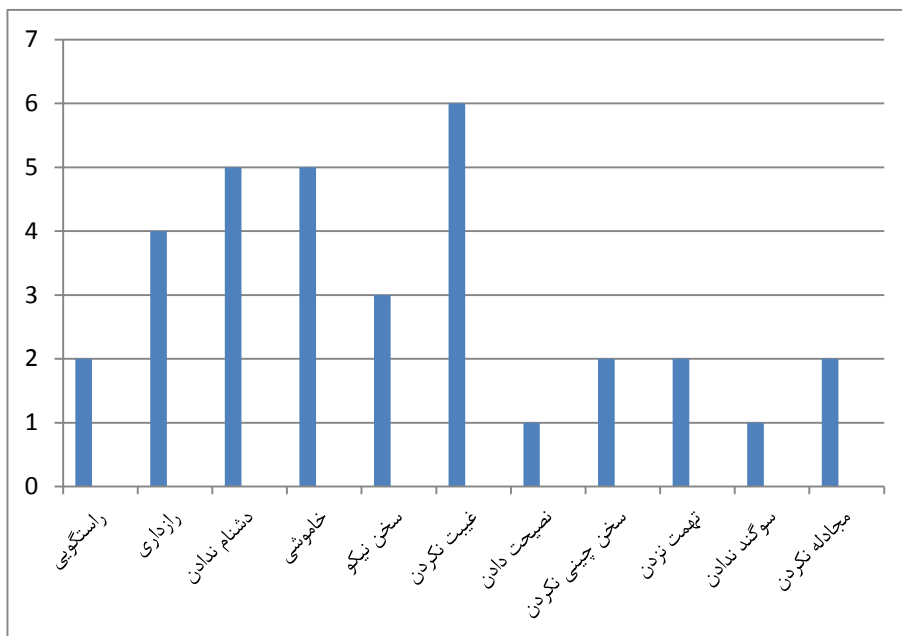
دشنام دادن در راستای ادب منفی است که نقض ادب است و وجهه فرد را به خطر می‌اندازد و از آن نهی شده است.

جدول ۱: میزان تعلق عبارات به انواع ادب

ادب کناپه دار	ادب منفی	ادب مثبت	کتاب
۵	۷	۱۱	اخلاق ناصری
۱	۴	۱۲	کیمیای سعادت

همان‌گونه که مشهود است میزان تعلق عبارات در پیکره مورد بحث، به ادب مثبت در تمام کتاب‌ها بیشتر از ادب منفی است. ادب مثبت و استفاده از راهکارهایی چون توجه به علایق، خواسته‌ها، همراهی، درک مخاطب، همدردی و وحدت با مخاطب یکی از نکات کلیدی مستتر در ادب مثبت است. همچنین در مواردی هم حفظ استقلال و حریم و آزادی مخاطب نیز که از راهکارهای ادب سلبی است مورد توجه قرار گرفته است.

در جدول زیر نیز به صورت نموداری نشان خواهیم داد که مؤلفه‌های مدنظر ادبیات تعلیمی در کتاب‌های مورد مطالعه شامل چه مواردی می‌شود:



نمودار ۱: آمار مؤلفه‌های ادب تعلیمی در کتاب‌های مورد مطالعه

جدول فوق نیز به بیان نموداری و بسامدی اختصاص مؤلفه‌های ادب زبانی در ادبیات تعلیمی و پیکره پژوهش حاضر است. همان‌گونه که مشهود است معیارهایی از قبیل راستگویی، سخن بجا و به موقع، دشنام ندادن، رازداری، پرهیز از غیبت، کم سخن گفتن، سخن نیکو، خاموشی، نوبت‌گیری، سخن با تفکر و غیره بالاترین میزان موارد تعلیم ادب را به خود اختصاص دادند.

در جدول زیر نیز بسامد تعلق هریک از مؤلفه‌های ادب را در کتاب‌های مورد بررسی نشان خواهیم داد تا مشخص گردد که غزالی در بیان ادب زبانی به کدامیک از مؤلفه‌ها توجه بیشتری داشته‌است:

جدول ۲: میزان تعلق مؤلفه‌ها در کتاب‌های مورد مطالعه

نصیحه الملوک	کیمیای سعادت	ردیف
۳	۳	راستگویی
۲	۲	رازداری
۲	۳	دشنام ندادن
۴	۱	خاموشی و کم سخنی
۱	-	نوبت‌گیری
۲	۱	سخن نیکو

غیبت نکردن	۴	۲
نصیحت کردن	۱	-
سخن چینی نکردن	۱	۱
مجادله نکردن	۱	-

#### ۴- نتیجه گیری

متون تعلیمی مورد بررسی در این پژوهش از آن روی که آموزش دهنده‌ی خوبی‌ها و ارزش‌های مورد قبول فرهنگی و اجتماعی هستند یکی از جایگاه‌های مناسب ظهور و بروز فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی-اسلامی هستند. در این متون ما شاهد نمود عقاید، باورها، اعمال فرهنگی، رسوم، ارزش‌ها و نگرش‌ها هستیم. همچنین شاهد توانش ارتباطی<sup>۱</sup> گویشوران یک زبان نیز هستیم. با بررسی و تحلیل عبارات تعلیمی امام محمد غزالی، می‌توان به پویایی رفتار بینافردی بین ایرانیان و فارسی‌زبانان و تحلیل ارزش‌های فرهنگی اجتماعی در جامعه ایرانی، تمایل به گرایش به ادب مثبت، اهمیت کبر سن و جایگاه اجتماعی و نیز تأثیر آموزه‌های اسلامی پی برد که در زیر بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۱- تأثیر آموزه‌های دینی و اسلامی

ادبیات تعلیمی، سبکی است که موضوع اصلی آن نیکی و بدی و یا خیر و شر است و هدف غایی‌اش نیز اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی است. از دید ادب زبانی در این متون به دنبال باید و نبایدهای زبانی در ایجاد ادب بودیم. مطالب ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی در تعلیم و تربیت و بخصوص جایگاه ادب با اوضاع اجتماعی و فرهنگی آنها انطباق دارد و در این راستا ارائه الگویی مبتنی بر آموزه‌های ایرانی اسلامی ضرورت دارد. سنت این ادبیات و اندرزنامه‌ها ریشه در ایران باستان دارد و در کتیبه‌های هخامنشی این عبارات اندرزی به چشم می‌خورد (دوفوشه کور<sup>۲</sup>، ۱۳۷۷: ۱۸). و نیز تمام نصایح دینی، عملی و تجربی در اوستا نیز آمده و نشان از اهمیت ادبیات تعلیمی و اندرزنامه‌نویسی در این دیار دارد. هر اندرز مبتنی بر هنجارهای اجتماعی حاکم و فشرده‌ای است از آداب و رسوم و وجوه مختلف حیات جامعه و تفکر قومی (مزدآپور، ۱۳۸۶: ۲۶). اگرچه دین و مذهب هخامنشیان به درستی مشخص نیست اما آنها به اخلاقیات بسیار پای‌بند بوده و پیروان خود را به راستی و راستگویی و پرهیز از دروغ ترغیب می‌نمودند. در بسیاری از زبان‌ها و فرهنگ‌ها شاهد تأثیر مذهب در شکل‌گیری ادب هستیم (تانن و ازتک، ۱۹۸۱: ۴۱). به سبب ماهیت اسلامی جامعه ایران، مفاهیم ادب در ادبیات تعلیمی مورد بررسی تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و با ایدئولوژی دینی و اسلامی همراه است. در ادبیات تعلیمی، جامعه اسلامی ایران، ادب یک مسأله اخلاقی انگاشته می‌شود و ریشه در تربیت دینی دارد. بافت اجتماعی ایران در آن زمان و مخاطبان آن آماده دریافت این متون با چاشنی احادیث و روایات بودند که آموزه‌های دینی به این میزان حضور دارند. در پیکره مورد بررسی نیز وفور تأثیر

1. Communicative Competence  
2. Fouchécour

مستقیم یا غیرمستقیم آموزه‌های دینی و اسلامی را شاهدیم. زبان نیز به صورت طبیعی این عقاید و باورها را منعکس می‌کند. این قوانین دینی نیز در بسیاری از موارد، طرق زندگی و رفتار درست را تعلیم می‌دهد. در متون تحقیق حاضر، شاهد بودیم که از طریق بیان داستان‌های دینی یا ذکر احادیث و بیان مطالبی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از قرآن کریم، اصول ادب در گفتار را می‌آموزد. از جمله مؤلفه‌های ادب ناشی از تأثیر آموزه‌های دینی می‌توان به این موارد اشاره کرد: دشنام ندادن، سخن نرم گفتن، ذکر یاد خدا، قهر نکردن، سوگند دروغ نگفتن، رازداری، غیبت نکردن، دروغ نگفتن.

#### ۴-۲- اهمیت وجهه و ادب مثبت

براون و لوینسون معتقدند که ادب در فرهنگ غربی ادب منفی است (۱۹۸۷: ۵۴) همچنین از دیدگاه لیچ (۱۹۸۳: ۱۳۳) نیز بیشترین اهمیت مربوط به ادب منفی است تا ادب مثبت. بدین معنا که در نظر اندیشمندی چون براون و لوینسون و لیچ حفظ احترام و آزادی عمل دیگری در ارتباط اهمیت دارد. اما در ادبیات تعلیمی، از آن روی که فرد در تلاش است تا به ارتباط دوستانه و صمیمی با افراد دیگر دست یابد و به دنبال تعلیم حفظ همدلی و نزدیکی در ارتباط است ادب مثبت غالب است. از این روی بنیاد اصلی کار متون تعلیمی بر مدیریت وجهه فرد دیگر استوار است و بنابه سخنی، مخاطب- محور است و بیشتر توصیه‌ها به گوینده برای حفظ همدلی در ارتباط است. این بخش از نظریه ادب تعلیمی یعنی در مرکز توجه بودن دیگری در راستای نظر لیچ (۱۹۹۱: ۱۳۳) است که معتقد است در ادب بیشترین تأکید بر دیگری است تا خود. در نظریه لیکاف (۱۹۷۷: ۱۵) نیز شاهدیم که جهت‌گیری به سوی مخاطب است و اصول عدم تحمیل به مخاطب، اجازه پاسخ دادن به مخاطب و حفظ برابری با مخاطب هر سه در راستای اهداف ادب در ادبیات تعلیمی نیز هستند. کاربرد ادب مثبت به معنای در نظر داشتن نیازهای وجهه مثبت مخاطب است و تأکید ادب تعلیمی بیشتر بر روی ترغیب به رفتارهای مثبت و تنظیم کننده اجتماعی است تا جلوگیری از رفتارهای زشت و منفی. ارزش‌گذاری به همدلی و صمیمیت در سخن در برابر ادب منفی که بر حق آزادی و مخاطب تکیه دارد به صورت ضربه وجهه مثبت جلوه‌گر می‌شود (اسمیث<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۶۸). در این متون، ادب مثبت از آن روی که فرد در تلاش است تا به ارتباط دوستانه و صمیمی با افراد دیگر دست یابد غالب است. این ارتباط دوستانه و در نهایت ارزش بالای وجهه مثبت ناشی از جمع‌گرایی ایرانی در برابر فرد محوری غربی است. کاربرد ادب مثبت به معنای در نظر داشتن نیازهای وجهه مثبت مخاطب است. منظور از وجهه، تصور فرد از خود است و شامل خواسته‌هایی است که باید توسط دیگران به رسمیت شناخته شود. بنابر اسکولن<sup>۲</sup> و اسکولن (۱۹۸۳: ۴۹) هیچ ارتباطی بدون وجهه وجود ندارد. بسته به برخی فرهنگ‌ها و جوامع و نگرش‌ها و قراردادهای ممکن است برخی جوامع به سمت وجهه منفی تمایل داشته باشند و دیگری به مثبت (اسکولن و اسکولن: همان). بنابر عقیده اسلامی راسخ (۱۹۹۳: ۹۷) که مورد تأیید پژوهش حاضر نیز است، کاربرد راهبردهای ادب در

1. positive face stroke

2. smith

3. Scollon

فارسی بیشتر به سمت وجهه مثبت تمایل دارد که از تمایل به جمع محوری در فرهنگ ایرانی نشئت می‌یابد. همان‌گونه که از داده‌های این تحقیق برمی‌آید در تمامی مؤلفه‌های موجد ادب در ادبیات تعلیمی توجه و یا به خاطر دیگری بودن را شاهدیم که همگی از در نظر داشتن نیازها و خواسته‌های مخاطب در این متون است. در این‌گونه جوامع ایجاد و توسعه و نگهداشت ارتباطات اجتماعی با سایر اعضای جامعه امری حیاتی است. در متون تعلیمی مورد بررسی، نشانگان پیام‌های گرمی، صمیمیت، توجه به دیگران و حمایت را شاهدیم. این همه میزان ادب مثبت می‌تواند باعث احساس خوب و راحتی در مکالمه بشود. ضربه وجهه مثبت، وجهه مثبت مخاطب را در نظر دارد تا وی احساس خوبی در تعامل داشته باشد (اسمیث<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱: ۶۸). ضربه وجهه مثبت می‌تواند حس صمیمیت و همدلی در بین مشارکان را افزایش داده و اثر روان‌شناختی مثبتی بر جای بگذارد که در این متون شاهدیم. در این متون راهبردهای ادب مثبت به صورت‌های زیر جلوه‌گر می‌شود: راستگویی، همدلی و درک متقابل مخاطب، توجه کردن و همراهی با مخاطب، انتخاب نشانگرهای هم‌گروهی و یافتن توافق در ارتباط و پرهیز از جدل، خوب و نیکوگویی در حق دیگران، رازداری، بخشیدن خطا، عیب‌جویی نکردن از دیگران.

#### ۴-۳- اهمیت جایگاه اجتماعی

بیمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۶: ۱۲) به تفاوت‌های سلسله مراتبی به‌عنوان یک مشخصه جهانی در زندگی بشر می‌نگرد. وی همچنین اضافه می‌کند تعداد جوامع کمی مانند جامعه ایران وجود دارد که اجبار جایگاه در آن، آنقدر مهم تلقی شود. باوم گاردنر<sup>۳</sup> (۱۹۸۲: ۷۲) معتقد است احترام برای قدرت تمام جوانب رفتار ایرانیان را تحت نفوذ دارد. جایگاه والای اجتماعی میزان والای ادب را در پی دارد. در این متون شاهدیم که قدرت و فاصله دارای یک محور افقی بین مخاطبان مساوی و یک محور عمودی بین مخاطبان سلسله مراتبی است. غزالی در مقام معلم با استفاده از ژانر ادبیات تعلیمی به شاهان و امرا و سلاطین روش درست و ادب را می‌آموزد و در این مسیر نیز از آموزه‌های مذهبی یاری می‌جوید. ادب در این متون به منزله عملی تلقی می‌گردد که بر اساس هر دو رابطه فرد محوری و جمع محوری استوار است و گوینده را به شنونده مرتبط می‌کند.

مدل براون و لینسون (۱۹۸۷) تنها مبتنی بر الگوی فردمحوری غربی است و با فرهنگ جمع‌گرای ایرانی که بر ارزش‌های جمع و اجتماع تأکید می‌ورزد در برخی موارد ناسازگار است. در این راستا باید به واتس (۲۰۰۲: ۲۳) اشاره کرد که تأکید می‌کند مفهوم سازی ادب جهانی نبوده و خاص هر فرهنگ است. این گفته مورد تأیید پژوهش حاضر نیز است که مفهوم ادب منحصر به هر فرهنگ خاص است و ارائه مدلی جهانی از ادب با ماهیت فرهنگ بنیاد ادب سازگار نیست. احترام زیاد و کوچک شمردن خود در مکالمه ایرانی‌ها نه تنها موجب تهدید وجهه فرد نمی‌شود بلکه در این فرهنگ جایگاه فرد را ارتقا می‌دهد. یعنی در این متون وجهه اجتماعی بیش از وجهه فردی اهمیت دارد.

1. smith
2. Beeman
3. Baumgardner



هدف این متون فراهم آوردن راحتی برای مشارکان در مکالمه است که منتج به ایجاد احساس خوب و در نتیجه تأیید و موافقت بین طرفین مشارک می‌گردد که همدلی را در بر خواهد داشت. در جامعه مؤدب ادب نقش مهمی در تکوین هویت شخصی دارد. ادب در این متون در نقش اعمال اجتماعی و فرهنگی و مذهبی برای مدنیت و تعلیم و تربیت است. غزالی نیز تلاش می‌کند تا مخاطبان خود را با آشناسازی با صورت‌های مؤدبانه و ادب در تعامل اجتماعی قدرت بخشد. این متون به‌عنوان رسانه‌ای همگانی برای تعلیم ادب هستند و جهت‌گیری زبانی این متون بیشتر به سوی مسائل کاربردشناختی است تا واژگانی و دستوری.

## منابع

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- دو فوشه کور، شارل هانری (۱۳۷۷)، اخلاقیات (مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری)، ترجمه محمد علی امیر معزی و عبدالمحمد روح بخشان، تهران: نشر دانشگاهی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- طیب، محمدتقی (۱۳۸۱)، «ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب پارسی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۳، ۴۹-۶۸.
- غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد (۱۳۳۴)، کیمیای سعادت، تصحیح حسین خدیوچم، تهران: علمی فرهنگی.
- غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد (۱۳۸۹)، نصیحه الملوک، به تصحیح قوام الدین طه، تهران: جامی.
- غضنفری، محمد (۱۳۸۷)، «جلوه‌هایی از بازتاب اصول ادب در تاریخ بیهقی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۱۶۲، ۲۹-۴۷.
- محمودی بختیاری، بهروز و شاه‌حسینی، فائقه (۱۳۹۶)، «ادب کلامی سعدی: مطالعه‌ای گفتمانی بر مبنای آرای سعدی»، در مجموعه مقالات همایش ادب کلامی، تهران، نشر نویسه پارسی.
- مزدپور، کتابون (۱۳۸۶)، اندرزنامه‌های ایرانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مشرف‌الملک، مریم (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مقدسی‌نیا، مهدی و سلطانی، علی (۱۳۹۳)، «کاربردشناسی زبان و سازوکارهای ادب‌ورزی در برخی از ادعیه شیعه»، نشریه جستارهای زبانی، شماره ۵.
- Baumgardner, R. (1982), Sociolinguistic aspects of Persian pronouns of address: A macro/micro analysis (Unpublished doctoral dissertation). University of Southern California, USA.
- Beeman, W.O. (1986), Language, status, and power in Iran. Bloomington: Indiana University Press.
- Berg, B.L. (2001), Qualitative Research Methods for the Social Sciences. Boston: Allyn and Bacon.
- Brown, P. and Levinson, S. (1978), Universals in Language Usage: Politeness Phenomena. In: E.N. Goody (ed.), Questions and Politeness: Strategies in Social Interaction. Cambridge: Cambridge University Press, 56-289.

- Brown, P. and Levinson, S. (1987), *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Burke, P. (1993), *The art of conversation in Early Modern Europe*. Cambridge, Polity Press.
- Eslamirasekh, Z. (1993), A cross-cultural comparison of the requestive speech act realization patterns in Persian and American English. *Pragmatics and Language Learning*, 4, 85- 103.
- Fraser, B., & Nolan, W. (1981), The association of deference with linguistic form. In: J. Walters (ed.), *The Sociolinguistics of Deference & Politeness*, The Hague: Mouton, 93 -111. Special issue (27) of the *International Journal of the Sociology of Language*.
- Goffman, E. (1967), on Face-Work: an Analysis of Ritual Elements in Social Interaction. In Laver, J. and Hutcheson, S. (eds.), *Communication in Face-to Face Interaction*. Harmondsworth: Penguin, 319-346.
- Grice, H. P. (1975), *Logic and Conversation*. In Cole, P. and Morgan, J. L. *Syntax and Semantics 3*. New York: Academic Press, 41-58.
- Hickey, Leo, and Miranda Stewart (2005), *Politeness in Europe*. Avon: Multilingual Matters.
- Hock, Hans Heinrich (1988), Implications of a dialectological approach to convergence' in Fisiak, Jacek ed., *Historical Dialectology: Regional and Social*. Berlin, New York and Amsterdam: Mouton de Gruyter. 283-328.
- Janney, Richard wayne, & Horst Arndt (1992), Intracultural versus intercultural tact, in *Politeness in Language: Studies in its History, Theory and Practice*, edited by Richard J. Watts, Sachiko Ide and Konrad Ehlich, 21-41. (1st edn). Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Koutlaki, Sofia A (2002), Offers and expressions of thanks as face enhancing acts: *tæ'arof* in Persia *Journal of Pragmatics* no. 34 (12): 17
- Lakoff, R., (1973), *The Logic of Politeness; or, Minding Your P's and Q's*. In Corum, C., Smith- Stark, T.C., and Weiser, A. (eds). *Papers from the Ninth Regional Meeting of the Chicago Linguistic Society*. Chicago, Illinois: Chicago Linguistic Society, 292-305.
- Leech, G. (1983), *Principles of Pragmatics*. London: Longman.
- Nwoye, Onuigbo G. (1992), Linguistic politeness and socio-cultural variations of the notion of face. 33-1756. *Journal of Pragmatics* no.18 (4):309-328.
- Scollon, R., & Scollan, S.B.K. (1983), *Intercultural communication (2nd Ed.)*. Maiden, MA: Blackwell Publishers.
- Sifianou, M. (1992), *Politeness Phenomena in England and Greece. A Cross-Cultural Perspective*. Oxford: Clarendon Press.
- Smith, J. (1991), *Salutations, felicitations, and terminations: A study in communicative performance (Unpublished Master's thesis)*. University of Canterbury, New Zealand.
- Tannen, D., & Öztekin, P.C. (1981), Health to your mouth: formulaic expressions in Turkish and Greek. In F. Coulmas (Ed.), *Conversational routine: Exploration in standardized communications situations and pre-patterned speech (37-54)*. The Hague: Mouton.
- Tracy, K. & Baratz, S. (1994), The case for case studies of face work. In S. Ting-Toomey (Ed.), *The Challenge of face work (pp.287-306)*. Albany: State University of New York Press.

- Watts, Richard J. (1992), Linguistic politeness and politic verbal behavior: Reconsidering claims for universality. In *Politeness in Language: Studies in its History, Theory and Practice*, edited by Richard J Watts, Sachiko Ide and Konrad Ehlich, 43-69. (1st edn). Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Watts, R. J. (2003), *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wierzbicka, A. (1985), Different cultures, different languages, different speech acts. *Journal of Pragmatics*, 9, 145-178.